

توحید کمالی

مؤلف: حاج محمد کریم صابونی

نگاهی

به روش

گذشتگان

در آموزش

درس دینی

یکی از برنامه‌های مجله رشد معارف اسلامی معرفی کتب مفید به خوانندگان عزیز است کتابهایی که تا بحال معرفی شده‌اند صرفاً حالت معرفی و عرضه برای مطالعه داشت اما کتابی که اینک به حضورتان معرفی می‌گردد یک کتاب آموزش دینی است که حدود هفتادسال پیش تألیف شده و هدف ما آشنایی همکاران عزیز با سبک کتاب و نحوه آموزش دین در آنسروز است. امیدواریم در شماره‌های بعد نیز در این زمینه مطالبی را با اطلاع خوانندگان عزیز برسانیم و چنانچه اساتید ارجمند، کتاب یا نوشته‌ای در این زمینه داشتند ما را یاری فرمایند.

از: حسن نمازی دبیر دینی دبیرستانهای تهران

کتاب توحید کمالی بصورت مناظره است بین استاد و دانش‌آموزی بنام آقا کمال که هر شب پس از نماز مغرب و عشاء در محضر استاد می‌نشیند و پس از ادای احترامات مرسوم سوالات خود را بترتیب از خدائشناسی و توحید تا معاد مطرح می‌کند و معلم به آنها پاسخ می‌گوید و به این ترتیب تمام اصول دین بصورت پرسش و پاسخ و بیه سبکی بسدیع (نسبت بزمان خود) تشریح می‌شود. این بحثها و مذاکرات شامل بیست و هشت جلسه می‌شود که در یک کتاب در ۲۰۷ صفحه به قسط کوچک با خطی زیبا نوشته شده است.

در ابتدای کتاب تصویری از مؤلف به چشم می‌خورد. روش تدریس سقراطی است که از روشهای فعال تعلیم و تربیت محسوب می‌شود و انسان را به یاد کتاب احمد تألیف طالب اف و امیل ژان ژاک روسو می‌اندازد. سبک کتاب جالب و جذاب است یکی از امتیازات کتاب رعایت ایجاز و اختصار در توضیح مطالب و

برخذر بودن از عواشی اضافی و پرداختن به اصل مطلب است. ولی چون نحوه نگارش مربوط به قرن گذشته است بعضی کلمات و مطالب کتاب و تعارفات بین شاگرد و معلم اکنون معمول نیست. حسن دیگر کتاب این است که معلم در آموزش بیشتر از روش تشویق استفاده می‌نماید و برای سؤال کردن به دانش‌آموز فرصت می‌دهد و در او انگیزه سؤال فراهم می‌آورد و با عوصله به او پاسخ می‌گوید. یکی دیگر از روشهای جالب کتاب که متأسفانه اکنون در سدارسی منسوخ شده این است که معلم آداب متعلمین را به شاگرد یاد می‌دهد تا شاگرد بیاموزد چگونه سؤال کند و چگونه به مقام معلم ارج بگذارد انتخاب اسم کمال الدین برای دانش‌آموز و نام کتاب به عنوان توحید کمالی حسن انتخاب مؤلف است و آسا اشکالی که در این کتاب به چشم می‌خورد متناسب نبودن سطح آموزش با سن و سال دانش‌آموز و اصولاً بی‌توجهی به روش تدریس

مخاطب است. اینطور که مؤلف اظهار می‌کند مطالب را برای نوجوانی نگاشته است که پنجساله ابتدایی را سپری کرده است در صورتیکه فهم بعضی بحث‌های آن پیرامون توحید و عدل و برای دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان نیز دشوار است. مسئله دیگر اینکه در گذشته بیشتر به لغات و اصطلاحات بها داده می‌شد تا اصل مطلب بطوریکه گاهی اصل بحث تحت الشعاع لغات و اصطلاحات قرار می‌گرفت و کسی بیشتر پذیرفته می‌شد که بیشتر آن عبارات و عناوین را در آن بحث بکار برد حال می‌توان این کتاب را با این نثر سنگین و مطالب سنگین تر با کتابهای دیگری که غریبزدگان آن روز و منورالافکران بعد از مشروطیت در زمینه اشاعه فرهنگ غربی در این دیار نوشته و منتشر کرده اند مقایسه کرده و به ناتوانی و روزگارناشناسی و بی‌خبری و غفلت گذشتگان تأسف خورد و از این رهگذر

برای امروز خود درسها آموخت! نویسنده برای چاشنی و تأیید سخنان خود از شعر هم مدد می‌گیرد ولی گاهی این امر به درازا می‌کشد و چندین صفحه را به شعر اختصاص می‌دهد. در پایان کتاب مؤلف متذکر می‌شود که پس از این بحث کتاب «اخلاق کمالی» تدریس می‌شود که متأسفانه آن کتاب در دسترس ما نیست. اینک به برخی قسمتهای کتاب نگاهی گذرا می‌افکنیم.

در مقدمه کتاب می‌خوانیم:

«چون توحید کمالی و اخلاق کمالی که دو کتاب جدیدالتصنیف مذاکرات بین آقا کمال و معلم بی‌نظیر ایشان که بسجته اینکه سهل‌الاستفاده از برای همه کس حتی متعلمین غیر ابتدائی برده باشد بلسان ساده و بیان سهل‌الاستفاده در نهایت اتقان و ایجاز بلکه در تمام خصوصیات ممتاز بمعرض ظهور و بروز آمده...»

و کان ذلک فی شهر محرم الحرام سنه

۱۳۲۰ قمری

در متن کتاب می خوانیم:

آقا کمال الدین که طفلی است از خانواده اصالت و نبالت و علم در کمال ذکاوت و فطانت و فراست و کیاست ذاتی بعد از آنکه پنج سال متوالی در مدارس جدید تحصیل علوم از فارسی و عربی و منطق و ریاضیات و غیره خود را در اطاق پنجم بمقام شایسته رسانیده و سن او بالغ بچهارده گردیده روزی در وقت تنفس و تفریح که رسماً اطفال را از برای رفع کسالت از درس مرخص می کنند در نزد معلم خود آمده با کمال انفعال و خجلت و شرم و انکسار عرض می کند که در خاطر من در معارف و اصول دین شبهات و خطراتیست و...

جناب معلم در جواب فرمودند «مرا از آمدن و نشستن در این مکان جز رفع جهل اطفال و جهل نیست و البته میل دارم که هر یک از متعلمین خود را از وادی جهالت و ضلالت به شاهراه هدایت بکشانم». و سپس قرار می شود همه روزه بعد از اداء نماز مغرب و عشاء الی سه ساعت از شب در مدرسه رفع شبهات کند.

مذاکرات شب اول

در شب اول آقا کمال اصول و فروع دین را ذکر می نماید و از استاد تقاضا می کند که فرق بین اصول دین و مذهب را بفرماید و معلم با تفضیل آنها را شرح می دهد....

در صفحه ۱۱ کتاب می خوانیم که اینک معرفت و شناسایی خدای متعال مهذا حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله فرموده است ما عرفناک حق تعالی...

بحق معرفت ترا شناخته ام و اینکه می گویند معرفت الله واجب و لازم است که از روی اجتهاد باشد و تقلید کافی نیست مراد معرفت بوجه و آثار صفات است نه شناسایی به کنه که محال است و سرش این است که خدای متعال محیط بر مقام عالم است و ممکن نیست که محاط احاطه بر محیط نماید و الا لازم می آید که محیط محاط شود و این خلاف فرض

است.

سبب مؤلف بخشی از ترجیح بند هاتف اصفهانی را با مطلع چشم دل بساز کن که جان بینی از زبان معلم برای آقا کمال می خواند. در هر جلسه آقا کمال خلاصه درس جلسه قبل را برای استاد بازگو می کند و پرسش جدیدی مطرح می نماید و تیزتر اصلی هر بحث مذاکرات شب... است تا کتاب تمام می شود. در

صفحه ۳۹ چنین آمده است: آقا کمال - کت اکسفاس قدسیه شرکاء عالی رفیع... توحید شد اگر احصاءت... بیان شبهات خود در مسئله... خدا بنمایم... معلم:



آقا کمال - اولاً بفرمایید که معنی امامت چه چیز است و اینکه تعبیر از امامت بولایت می کنند از چه بابت است و معنی ولایت چه چیز است. ثانیاً دلیل احتیاج بامام چه چیز است و....

پس از طرح مفصل سؤالات از زبان آقا کمال درباره امامت معلم بترتیب آنها را پاسخ می دهد در صفحه ۱۳۷ و در مذاکرات

شب بیستم آمده:

معنی - بلی ای فرزند من - سؤال اول شما از معنی امامت بود بدان و آگاه باش که امام بفارسی پیشوا را می گویند و پیشوا عبارت است از شخصی که راهی را بلد باشد و یک طایفه و قومی که مقصدی داشته باشند ولی راه آنرا ندانند آن پیشوا چون راه را می دانند در مقدم ایشان حرکت می کند و آن طایفه از دنبال او در همان راه که او سلوک می کند و می رود راه را طی می کنند.

در صفحه ۱۷۷ در باب معاد جسمانی می خوانیم:

آقا کمال - آقا از آنچه فرمودید فقط لزوم معاد ثابت و محقق شد. باز اشکال از بابت اینکه تمام التذات و تالمات برای نفس است پس فایده عود اجسام چه چیز است.

معلم - بلی آنچه گفته ام و گذشته است فایده جسمانی بودن معاد معلوم ولی برای توضیح باز اشاره بخواهد آن می نمایم. پس بدان که باقی که چون آنچه از مصدر صادر می شود که بصورت مختلفه متشکل می گردد و

در اصله در آنها محفوظ و اگر حروف مختلفه در آنها نباشد بی مناسبت بمصدر می شود و اگر بگویی زید در دنیا موجود شد البته تمام

عوارض او معروف است و بدون معرفت و معرفات تمیز بین زید و عمرو اگر بگویند زید را در محضر یا کتد لابد باید زید با آن معرفات در محضر یا محضر

اگر روح زید بدون جسد یا روح حاضر شود زید معهود نیست و از اشعار لسان الغیب که سابقاً نقل کردم خوب مکشوف می شود... در پایان کتاب می خوانیم:

کتابه العبد المذنب القانی مرتضی الحسینی البرغانی غفر ذنوبه و ستر عیوبه و در مطبعه علمی بزیور طبع آراسته گردید.

شهر محرم الحرام سنه ۱۳۴۰